نقش شبه روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

شماره ۲۵

اسلام دینی برای قبائل بدوی صدر اسلام بود!

خاتمی اگرچه به صراحت این روشنفکران از دین گسسته، نسبت به دین و وحی و پیامبر و ائمه اظهارنظری ننموده است، لیکن به واسطه‌آمیزش و ارتباط با این عناصر و مرزبندی روشن و صریح نکردن با آنان، مرعوب تفکر آنها شده و با پیش‌زمینه تحصیل در رشته فلسفه غرب و آشنایی با نظریات جان‌لاک و ژان‌ژاک روسو در باب آزادی و حکومت و دین، زنگار بر دل و جانش نشسته و حداقل دو کار مهم برای دین‌گریزان تاویل‌گر انجام داد: یکی همراهی با آنان و محکوم ننمودن قرائت‌های بی‌ارتباط آنها با قرائت حقیقی اسلام و دیگری فراهم آوردن زمینه و سپردن مسئولت به آنان در کیهان و وزارت ارشاد و ریاست جمهوری خود.

دولت اصلاحات، دغدغه‌های مردم و تاکیدهای رهبری بر اولویت معیشت مردم و تقویت درون‌زای اقتصاد را یکسره رها ساخته و تنها به توسعه سیاسی، آن هم با رنگ و لعاب غربی آن پرداخته بود و در توسعه سیاسی به شبهه‌آفرینی در دین و ارکان دین و تقدس‌زدایی بیشتر می‌پرداخت تا جامعه را هرچه بیشتر از دین تهی کنند و در فرآیند سکولارشدن، همه تصمیم‌گیری‌ها بر ملاحظات عقلی و فایده‌گرایانه مبتنی شود.

با بررسی جایگاه افرادی همچون سروش، شبستری و کدیور در محافل آمریکایی- انگلیسی می‌توان دریافت که ایده‌های این روشنفکران تنها یک اظهارنظر اندیشه‌ای نبود، بلکه جزئی از برنامه براندازی نرم بود.

اگر خاتمی معتقد است که « دین برای آنکه بماند، نباید آن را محصور در یک برداشت خاصی کرد. طبع بشر چنین است که اگر دین یا هر نهاد دیگری را وافی به مقصود نیافت یا آن را کنار گذارد و یا برداشت تازه از آن خواهد داشت و این امری است که در تاریخ رخ داده و باز هم رخ خواهد داد.»[1] این همان نظریه سروش است که برای دین قرائت‌های مختلف قائل شده و همه قرائت‌ها را صحیح می‌داند!

البته در اسلام اجتهاد هست که دریافت‌های نو و تازه از مبانی و اصول اسلامی است و دارای اسلوب خاص و فن شناخته شده در حوزه‌های علمیه و برای اساتید فن است، اما اینکه هر شخصی بتواند برداشت تازه‌ای بکند و آن را به دین نسبت دهد، چه چیزی از دین باقی خواهد ماند؟ این همان دینی نیست که آمریکا طالب آن است و امام آن را «اسلام آمریکایی» نامید؟

اگر خاتمی می‌گفت: «اگر دین هم در برابر آزادی قرار بگیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی»[2] به خاطر این است که جوهره دین را طبق نظریه‌های غربی، مخالف با کرامت انسان و آزادی‌های مشروع او می‌داند و آزادی را بالاتر و ارزشمندتر از دین می‌شناسد.

خاتمی در دیدار با زنان حزب مشارکت در بررسی جایگاه زن در قرآن، با تکرار ادعاهای امثال سروش و شبستری می‌گوید: «در حال حاضر مطالب قرآن با برخی دریافت‌های بشری سازگار نیست، چرا که احکام آن متناسب با زندگی قبیله‌ای است و اگر بپذیریم احکام کتاب آسمانی مسلمانان قطعی و جاودانه است، باید بگوییم که زندگی مورد نظر اسلام زندگی قبیله‌ای است.»

خاتمی در دیدار با زنان حزب مشارکت در بررسی جایگاه زن در قرآن، اظهارنظری دارد که نشان می‌دهد تا چه حد از دوستان روشنفکرش اثرپذیری داشته است: «این سخن عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری که وحی الهام بر پیامبر بوده و ماهیت قرآن بر ما آشکار نیست و نمی‌توان به آن استناد کرد درست است... در حال حاضر مطالب قرآن با برخی دریافت‌های بشری سازگار نیست، چرا که احکام آن متناسب با زندگی قبیله‌ای است و اگر بپذیریم احکام کتاب آسمانی مسلمانان قطعی و جاودانه است، باید بگوییم که زندگی مورد نظر اسلام زندگی قبیله‌ای است! در زمان حاضر بنابر ادله‌ای که ذکر کرده، قرآن کریم برای ما قابل استناد نیست.»[3]

جای تعجب است که خاتمی به جای آنکه به وظیفه ریاست جمهوری- که از سوی مردم برای آن تعیین و انتخاب شده است بپردازد- یکسره به نظریه‌پردازی، آن هم در حوزه‌هایی که تخصص چندانی در آن ندارد، پرداخته است.

خاتمی علی‌القاعده می‌بایستی این‌گونه دریافت‌های خود را با اهل فن در حوزه‌های بزرگ علمیه و دانشگاهی مطرح می‌ساخت و در صورت تأیید، آن را عمومی می‌نمود. خاتمی به خاطر جهل خود و کوتاهی‌هایی که در دوران تحصیل در حوزه قم داشته و ناتمام آن را رها ساخته و نیز معاشرت بی‌حد و مرز با منحرفین اعتقادی و اخلاقی، گرفتار استنباط‌های غلطی شده که قطعا پرونده او را در دنیا و آخرت سنگین خواهد ساخت. اگر قرآن قابل استناد برای مسلمانان نباشد و اگر آن را محصور زندگی قبیله‌ای کنیم، انقلاب اسلامی بر چه مبنا و پایه‌ای می‌خواهد تمدن نوین بشری را بسازد و او را از گرفتاری‌های تمدن خانمان‌سوز و بی‌اخلاق غرب نجات دهد؟ اسلام بر چه پایه و اصولی توانست تمدن بزرگ بشری را پایه‌گذاری کند و غرب در دوره رنسانس با ارتباط با این تمدن، پیشرفت را آموخت و به وضعیت علمی و تکنولوژیک امروز، نه وضعیت اخلاقی رسید؟

خاتمی چطور ادعای فرهیختگی دینی دارد، اما وحی را یک نوع الهام می‌داند که به خاطر آن، ماهیت قرآن را ناشناخته و غیرقابل استناد معرفی می‌کند؟ اگر خاتمی چنین می‌پندارد، چرا به دعوت قرآن کریم عمل نمی‌کند و تمامی لشکر پیدا و پنهان روشنفکری را همراه نمی‌کند تا یک سوره مانند قرآن بیاورد؟ اگر قرآن الهام است و برداشت از آن خاص نیست، چرا با آوردن سوره‌ای مانند آن، حرف خود را اثبات نمی‌کند؟

به تعبیر و پاسخ روشن رهبری به این گزافه‌گویی‌ها، کتاب خدا را دو جور می‌توان استفاده و استنباط کرد. یک طور به شیوه غیرفقاهت و یکی هم به شیوه فقاهت. تفاوت این دو شیوه در الگو داشتن و نداشتن است. دینی که با روش غیرفقاهت - بدون حوزه‌های علمیه و شیوه فهم صحیح اسلام اعم از اصول و فروع - به دست بیاید هم مامون از خطا نیست و هم ممکن است در بعضی جاها مصیبت باشد، چنانچه در این آقایان هست. این روش، روش نامطمئنی است و روش نامطمئن در مسائل حیاتی - زندگی و مرگ فکری انسان - قابل پیمایش نیست. روش مطمئن روش فقاهت است که این متد علمی بیش از هزار سال قدمت و تجربه دارد.[4]

خوابی که غرب برای انقلاب اسلامی دیده آن است که حکومت و سیاست را از وجود دین پاک‌سازی کند و حکومتی مانند سایر جمهوری‌های اسلامی - با اسلام آمریکایی - ایجاد شود! موضوع عدم دخالت دیانت در سیاست، سالها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی توسط رژیم سفاک و فاسد پهلوی، تبلیغ و عمل شده بود. انقلاب اسلامی، این توطئه استعماری را مضمحل کرده بود. حضور دین در عرصه سیاست و حکومت یعنی در رأس نظام، ولیّ فقیه با شرایط عالم به دین، عادل، شجاع، مدیر، مدبّر، یعنی حاکمیت پاکی و سلامت نفس، چنین نظامی برای سلطه‌گران فاسد قابل تحمل نخواهد بود. حالا با زبانها و نظریه‌های مختلف سعی می‌کنند این نظام را از منطق محکم و عقبه ایمانی خود، خالی کنند و ذهن‌ها را بفریبند.

نشریه ضدانقلابی «نیمروز» چاپ لندن، طی گزارشی به استقبال رسانه‌های آمریکایی از سروش و حرف‌های او پرداخته و مأموریت او را روشن می‌کند. این نشریه خانم «رابین رایت» را نخستین روزنامه‌نگاری در آمریکا می‌داند که از سروش به عنوان اصلاح‌گر مذهبی و «مارتین لوتر» اسلامی نام برد و او را نوآور و نوپردازی خواند که خواهد توانست سره را از ناسره در اسلام جدا کند و خرافه را از دیانت بزداید و شرع انور را از میدان سیاست براند!

پانوشت‌ها

---

[1] روزنامهٔ صبح امروز، ۱۳۷۸/۹/۲۱

[2] اوّلین سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران

[3] روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۶/۱۲، ص ۲، یادداشت روز

[4] حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای رهبر معظّم انقلاب ، جلد دوم، صص ۲۳۱- ۲۳۵

ده گفتار از رهبرمعظم انقلاب در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم(ع):

بخش ۲۳

صبر ائمه(ع) عین جهاد است

اگر بخواهیم معنای جهاد را درست تشریح کنیم، باید بگوییم جهاد به طور مطلق یعنی درگیری و مبارزه با قدرت‌های ارتجاعیِ ضدّ تعالی و تکامل انسانی - یعنی ضدّ اسلام و ضدّ قرآن - هر جور که با اینها درگیریَ کردید، این در اسلام اسمش جهاد است.

جهاد مسلّحانه

البتّه یک صورتِ خیلی روشن جهاد هم این است که انسان شمشیر به دست بگیرد، بیاید در مقابل دشمن، با شمشیر بزند توی سرش؛ یعنی آن کاری که امیرالمؤمنین(ع) در جنگ‌هایش کرد، امام حسن مجتبی(ع) مقدّماتش را فراهم کرد که برود به جنگ و امام حسین(ع) در میدان کربلا انجام داد. این جهادِ مسلّحانه است، امّا جهاد غیر مسلّحانه را هم دیگر مسلمان‌های زمان ممکن است بکنند.

معنای صحیح جهاد

پس اگر بخواهیم معنای جهاد را درست تشریح کنیم، درست بفهمیم، باید بگوییم جهاد به طور مطلق یعنی درگیری و مبارزه با قدرت‌های ارتجاعی ضدّ تعالی و تکامل انسانی _ یعنی ضدّ اسلام و ضدّ قرآن _ هر جور که با اینها درگیری کردید، این در اسلام اسمش جهاد است. البتّه یکی از انواع جهاد درجه‌اش بالاتر است، شریف‌تر است، عزیزتر است، دارای اجر بیشتری است و دیگری درجه‌اش درجه نازلتری است، درجه ضعیف‌تری است، درجه کم‌ارزش‌تری است؛ ولی همه اینها تحت عنوان و سرپوش و واژه «جهاد» محسوب است.

جهاد بودن تمام اقدامات ائمّه(ع)

بعد از آنکه ما معنای جهاد را فهمیدیم _ که نه این جهاد مسلّحانه است که فقهای شیعه در کتبشان یک بابی مخصوص این موضوع باز کرده‌اند و نه به آن گلوگشادی و ولنگ‌وبازی است که هر تلاشی به هر صورتی اسمش جهاد باشد؛ بلکه در جهاد درگیری لازم است به هر شیوه‌ای و در راه هدف بودن و جهت داشتن و سَمت داشتن _ آن وقت خیلی آسان می‌توانیم این را به طور اجمال قبول کنیم که ائمّه‌ی اهل‌بیت(ع) جهاد می‌کردند. دیگر نباید سؤال کرد که آقا امام صادق(ع) کی شمشیر دستش بود؟ مگر لازم بود شمشیر دستش باشد؟ مگر لازم بود امام صادق(ع) عمامه را بردارد و بیاید توی میدان شعار بدهد؟ کافی بود که امام صادق(ع) بیندیشد، فرمان دهد، یک کلمه‌ای بگوید که این کلمه، اصلی باشد تا مسلمان‌های زمان خود او و بعد از زمان خود او، از آن اصل پیروی کنند. این کافی بود تا اینکه امام صادق(ع) را مجاهد بدانند.

دوران‌های چهارگانه حیات انسان ۲۵۰ ساله

دوره اوّل؛ دوره صبر

پس از آنکه حکومت پیغمبر اکرم(ص) پس از ۱۰ سال، با ارتحال این بنده شایسته برگزیده خدا به جوار رحمت حق پایان گرفت، فصل تازه‌ای در زندگی جامعه اسلامی به وجود آمد که این فصل امامت بود. نوبت این است که جامعه اسلامی با رهبری فرد برگزیده و شایسته‌ای که خدا فرمان داده و پیغمبر برگزیده، به سوی هدف‌هایی که برای این جامعه معیّن شده چهارأسبه بتازد.

ورودی باغ سقیفه بنی ساعده در مدینه منوره- به تعبیر رهبر معظم انقلاب آنچه در توطئه سقیفه رخ داد، فقط غصب حق الهی ولایت امیرالمومنین امام علی(ع) نبود، بلکه خیانت به همه بشریت به خاطر محروم کردن آنها از نعمت حکمرانی اهل‌بیت(ع) است.

[امّا] مسائلی پیشامد کرد که سیر جامعه اسلامی را به سوی این هدف‌ها یا متوقّف و یا کُند کرد و این مسائل را شما کم‌وبیش در طول زمان شنیده‌اید و می‌دانید. ماجرای سقیفه پیش آمد، مسئله سیاست‌بازی‌های یک عدّه مردمی که به دین و به اسلام و جامعه اسلامی آنچنان علاقه وافری نداشتند و توطئه‌ها و نشست‌وبرخاست‌ها و قراردادها پیش آمد؛ و نتیجه همان شد که خود امیرالمؤمنین در ۲۶ سال بعد از آن در برگشت از یک جنگ به یکی از افراد قبیله بنی‌اسد در ضمن بیان موجزی ذکر کرد: «فانّها کانت اثرةً شحّت علیها نفوس قوم و سخت عنها نفوس آخرین».[1]

مسئله سقیفه و غصب خلافت و ۲۵ سال کوتاه شدن دست علی از اداره اجتماع اسلامی در کلام امیرالمؤمنین در یک موقعیّت حسّاس در دو جمله بیان شده: انحصارطلبی بود، خودخواهی بود، دنیا را برای خود طلبیدن بود؛ عدّه‌ای به سوی آن مشتاقانه دست دراز کردند، حکومت را برای خود خواستند، قدرت را بناحق در اختیار خود گرفتند، «و سخت عنها نفوس آخرین»؛ عدّه‌ای هم بزرگوارانه با شرح صدر چشم پوشیدند. مسئله همین بود.

دو گزینه در برابر امیرالمؤمنین(ع) پس از غصب خلافت

امیرالمؤمنین(ع) در مقابل دو مطلب قرار گرفت: یکی عبارت است از غصب حقّ خلافت؛ و این خیلی بزرگ است و خیلی ظلم است، هم ظلم است به علی و هم ظلم است به جامعه اسلامی و هم ظلم است به بشریّت. اگر در رأس یک جامعه الهی، یک مرد الهی مثل علی قرار نگیرد، بشریّت ستم دیده است، نه فقط آن مرد؛ بلکه اگر زمام و اختیارگردان جامعه بشر دست مردی مثل علی باشد، بشریّت به تکامل و تعالی خود نزدیک شده است؛ و همیشه چنین است که حکومت‌های ناصالح، قدرت‌های ناشایست نه فقط به مردم زمان خود که به انسان‌های تاریخ و نه فقط به یک عدّه مردم خاص و انسانهای خاص که به انسانیّت جفا می‌کنند.

هر قدمی که برداشته می‌شود یا انسانیّت را پیش می‌برد، ترقّی می‌دهد، اوج می‌دهد و یا انسانیّت را متوقّف می‌کند، جلوی پرواز انسانیّت را می‌گیرد. اگر علی در رأس حکومت نبود و رقبای علی قدرت را در دست گرفتند، به انسانیّت ستم شد؛ و برای مردی مثل علی یک لحظه نمی‌شکیبد که بر انسانی ستم برود؛ بسیار دشوار است که ببیند بر بشریّت ستم میرود و خاموش بنشیند؛ و در زندگی علی چنین چیزی اصلا متصوّر نیست، ممکن نیست؛ این از یک طرف.

امّا از طرف دیگر چیزی وجود دارد که علی(ع) برای آن است و پیغمبر برای آن آمد و موتور انسان، نیروی محرّک بشریّت به سوی تکامل و تعالی آن است؛ و آن اسلام و قرآن است. علی می‌بیند در جامعه مسلمان آن روز که یک اقلّیّت زیرک و زبردست و سیاست‌باز، اکثریّت قاطع مردم را در اختیار گرفته‌اند، افکار آنها را قبضه کرده‌اند، راه آنها را از سویی که می‌باید به آن سو برود، به سوی دیگری منحرف کرده‌اند، در یک چنین اجتماعی اگر چنانچه بلند بشود و سر بلند کند، اکثریّت را به خود متوجّه کند، فریاد راستین کتاب و سنّت را در میان آنجامعه بردارد و یک عدّه‌ای را دُور خود جمع کند، جنگ داخلی به وجود بیاورد، برادرکُشی ایجاد بشود، دشمنان بنیادی اسلام، چهره‌هایی که قبل از اسلام در صدر بودند و اسلام آنها را زیر پای مجاهدین اسلام قرارداد، آتش‌های کینه‌ای که در زیر خاکسترها پنهان شده است _ یعنی ابوسفیان‌ها _ از فرصت استفاده می‌کنند و بَلبشوی جامعه اسلامی را یک موهبتی می‌دانند و مغتنم می‌شمارند و اسلام از بین خواهد رفت.

پانوشت‌ها

---

[1] نهج‌البلاغه، شریف الرضی، خطبه ۱۶۲

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۹۱۱۵۶۶ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۷ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب
شهرری ۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶
سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۸۰۱۵۵۲ – ۸۸۹۰۰۸۶۷
شهرآرا ۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰ -۶۶۵۹۲۲۶۶

شرق – غرب
آزادی ۹-۶۶۰۶۴۶۴۷ - ۶۶۰۰۷۴۷۹
شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ - ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
تهران نو ۷۷۹۳۶۸۸۸ - ۷۷۹۰۹۹۳۹
دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

بنایی و خدمات ساختمانی

طراحی و اجرای تابلو و نمای کامپوزیت حروف برجسته و ترمووت
۰۹۱۲۶۰۱۸۴۸۲
۳۳۱۶۷۰۷۷

تعمیرات و بازسازی ساختمانی ویسی
۰۹۱۲۳۱۶۷۴۴۸
۰۹۲۱۶۱۹۵۶۵۳

نگهداری از سالمند و کودک

امداد گستر آپادانا
نگهداری از سالمند، بیمار،کودک و کلیه امور نگهداری و فیزیوتراپ در منزل و همراه در بیمارستان با تخفیف ویژه جهت فرهنگیان، جانبازان و بازنشستگان
۲۲۵۰۴۲۳۸_۲۲۳۱۵۱۳۱

متفرقه

فروش اقساطی
گوشی موبایل و سیم‌کارت
۰۹۱۲۴۳۴۰۰۸۳

کولر گازی اسپیلت با مارک‌های اصلی
با گارانتی۵ ساله و نصب رایگان
به قیمت بانه ۵۵۳۲۳۵۲۹
احمدی ۰۹۱۲۷۶۴۶۹۸۰

* صنایع برودتی انجماد*
ساخت سردخانه‌های ثابت و متحرک و یخچالهای صنعتی و روباز
۰۹۱۲۵۳۸۷۰۴۴ – ۳۳۶۸۴۸۳۷

دفاتر نمایندگی کیهان
همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

استعلام قیمت رانینگ برد سالن
تیراندازی ۲۵ متر
۰۹۱۲۳۸۴۹۶۴۷

فقط نقدی
بهترین خریدار و فروشنده مواد غذایی انواع برنج ایرانی و خارجی
۰۹۱۲۱۱۳۹۶۹۸ – ۸۸۴۸۵۶۷۲

قالیشویی مبل شویی

فقط قالیشویی
تهـــران نـــو
درشرق تهران کارخانه دارد
۷۷۴۷۳۶۰۴ ۷۷۴۱۳۶۰۴
۷۷۴۱۰۵۱۵

گمشده پیدا شده

مدارک دیپلم و کارشناسی کشاورزی صادره از واحد ورامین اینجانب هومن حکیموند فرزند مجید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب سیدحمید علوی مالک خودرو پژو تیپ ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی ۸/۱ مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۵۲۲ ب ۲۶- ایران ۸۱ و شماره شاسی ۱۴۲۱۱۹۸۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۲۴۶۹۶ بعلت فقدان اسناد فروش و اسناد مالکیت و شناسنامه مالکیت(برگ سبز) تقاضای المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. زرین‌شهر.

سند هاچبک سیستم پژو تیپ ۲۰۶–DU۳ مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید- روغنی به شماره موتور ۱۶۵A۰۰۷۵۳۹۳ و شماره شاسی NAAP۰۳EEXGJ۸۳۹۰۹۰ و شماره پلاک ۴۲۷ ن ۸۳ ایران ۲۴ بنام سیدعبدالقادر حیال مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو سواری تاکسی بی‌سیم ۱۸۴۸، مدل ۱۳۸۵، به شماره انتظامی ۷۴۹ ت ۱۴ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۲۸۶۷۱ و شماره شاسی ۱۵۵۱۱۷۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت تکبرگ به شماره فرعی ۳۶۸۳۳ از اصلی ۸ واقع در بخش سه قطعه دو به شماره ثبت ۱۵۷۳۸۸ آپارتمان مسکونی طبقه ۲ به آدرس شیراز شهر جدید صدرا فاز ۲ به مالکیت نوش‌آفرین ستوده مهجن‌آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهینامه موقت تحصیلی اینجانب فاطمه سپهر فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۹۸ صادره از جهرم در مقطع کارشناسی رشته باستان‌شناسی صادره از واحد دانشگاهی مرودشت با شماره ۳۶۱۷۲۵۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت به نشانی کیلومتر ۳ جاده تخت جمشید دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت ارسال نمایند.

برگ سبز خودرو سمند X۷ مدل ۸۴ به شماره انتظامی ۵۷۶ م ۲۱– ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۳۲۲۸۸ و شماره شاسی ۱۴۵۱۱۴۷۷ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

کارت فعالیت ناوگان عمومی به شماره ۱۴۰۹۵۱۳ کامیون کشنده دانگ فنگ به شماره انتظامی ۳۴۷ ع ۳۱ ایران ۲۴ مدل ۲۰۰۵ میلادی موتور ۶۹۱۱۰۹۸۳ شاسی LGAGLMYM۶۵۳۰۱۸۱۵۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند) و برگ کمپانی خودرو سیستم رنوتیپ تلیسما مدل ۲۰۱۸ به شماره انتظامی ۷۸۹ ط ۵۶– ایران ۸۸ رنگ سفید صدفی متالیک و شماره موتور M۵MB۴۵۰N۰۴۹۹۵۱ و شماره شاسی VFIRFD۰۰۲JC۲۴۶۶۴۲ متعلق به اینجانب حسن بسحاق مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پیکان مدل ۱۳۸۰ رنگ سفید روغنی به شماره شهربانی ۹۲۴ م ۸۸ ایران ۲۲ به شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۶۶۳۷۶ و شماره شاسی ۸۰۴۷۰۴۳۲ به نام محمد رشیدی خضری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند مالکیت و سند محضری خودرو سواری هاچبک پژو ۲۰۶، مدل ۱۳۸۱، رنگ سفید صدفی به شماره انتظامی ۸۵۷ د ۴۵ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۰۳۳۸۴۲۱۵۵ و شماره شاسی ۰۰۸۱۶۰۹۷۴۲ به نام موسی ستوده کوزه‌گرانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری کار هیوندای IX۵۵، رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۱۰ به شماره انتظامی ۳۶۲ ب ۱۷ ایران ۴۶، شماره موتور G۶DA۹A۴۰۹۵۳۵ و شماره شاسی KMHNU۸۱CDAU۱۱۰۰۶۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت فعالیت ناوگان عمومی به شماره ۱۷۶۰۶۶۳ کامیون کشنده ولوو به شماره انتظامی ۴۷۶ ع ۵۵ ایران ۲۴ مدل ۱۳۷۱ رنگ زرد موتور ۰۱۱۳۶۴ شاسی ۸۰۶۴۲۶ و شناسه IRNCV۱۱K۲WZ۸۰۶۴۲۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت پراید ۹۳ و کارت ماشین بشماره انتظامی ۵۹۹ ط ۶۲ ایران ۲۲ به شماره موتور ۵۱۲۱۲۱۵ و شماره شاسی NAS۴۲۱۱۰۰E۱۱۶۱۱۹۸ بنام علیرضا عفاف مفقود از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت(برگ سبز) خودرو سواری برلیانس H۲۳۰ مدل ۱۳۹۵ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ۸۴۷ ب ۳۷ ایران ۱۸ و شماره موتور BM۱۵L/E۰۵۸۲۴۲ و شماره شاسی NASV۳۱۳۰۰G۱۰۰۲۶۸۹ به نام ناصر افشاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی
سند مالکیت(برگ سبز) و کارت ماشین خودرو زانتیا مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۹۶۶ ه ۷۱– ایران ۲۲ بشماره موتور ۰۰۸۵۸۴ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۷۱۶۷۰۸۴ بنام جعفر باقریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانشجویی خانم یلدا بهمدی مقدس فرزند غلامحسین با کد ملی ۰۹۲۲۹۳۰۴۹۱ و شماره دانشجویی ۹۲۱۰۴۹۷۰۶ دانشجوی رشته مهندسی معماری مقطع کارشناسی از دانشگاه زابل مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردید.

اینجانب آرمان قاسمی، مالک خودروی سواری رانا TU۵، مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید، به شماره انتظامی ۲۷۷ ص ۶۸ ایران ۸۸ به شماره شاسی ET۰۴۰۳۴۲ و شماره موتور ۱۶۳B۰۰۰۵۶۶۱ به علت فقدان اسناد فروش و شناسنامه مالکیت تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران– کرج، شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت ایران اسپان
(شرکت سهامی خاص)
از کلیه صاحبان سهام این شرکت ثبت شده به شماره ۲۳۳۶۶ دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۹/۴/۲۱ که ساعت ۱۰ در محل شرکت واقع در تهران آفریقا شماره ۱۳۳ واحد ۱۴ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱– استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی ۲– بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و عملکرد سال مالی منتهی به پایان اسفندماه سال ۱۳۹۸ ۳– انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۴– انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت نشر آگهی‌های شرکت.
رئیس هیئت مدیره

بنیاد تعاون زندانیان استان تهران در نظر دارد بهره‌برداری از کترینگ‌های خود را در تعدادی از ندامتگاه‌های استان تهران برای مدت یک سال به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید، لذا از علاقه‌مندان دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و اخذ اسناد مزایده از تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳۱ لغایت ۱۳۹۹/۴/۶ از ساعت ۸ الی ۱۶ (به استثناء ایام تعطیل) با تلفن ۴۴۳۳۷۷۲۷ تماس حاصل فرمایند.

اسامی ۶ نفر از فرزندان
تحت پوشش شیرخوارگاه حضرت رقیه (س)

نام مستعار کودک: محمد
تاریخ تولد: ۹۸/۱۲/۹
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۸
نام والدین: معصومه کدخدا زاده
علت پذیرش: کودک آزاری
ارجاع دهنده: اورژانس دولت‌آباد

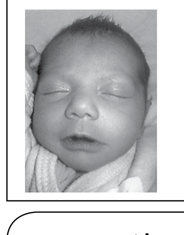

نام مستعار کودک: رعنا
تاریخ تولد: ۹۹/۲/۲۶
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۳
نام والدین: زهرا مصیب‌زاده
علت پذیرش: رها شده
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: جلال
تاریخ تولد: ۹۹/۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۰
نام والدین: مریم فلاح
علت پذیرش: رها شدگی
ارجاع دهنده: بیمارستان فیروزآبادی

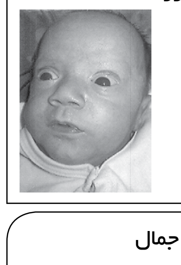

نام کودک: گلاره نیرومند
تاریخ تولد: ۹۸/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۲
نام والدین: فریبا
علت پذیرش: رها شده
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: فرید
تاریخ تولد: ۹۹/۲/۲۱
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۳
نام والدین: فاطمه محمدی
علت پذیرش: رها شدگی
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: جمال
تاریخ تولد: ۹۹/۲/۲۱
تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۰
نام والدین: نرگس ذاکری
علت پذیرش: رها شده
ارجاع دهنده: بیمارستان فیروزآبادی

تاریخ انتشار: ۹۹/۳/۳۱
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی کشاورزی تولیدکنندگان پسته رفسنجان (شماره ثبت ۷۲)
(نوبت اول)
بدینوسیله از کلیه اعضاء شرکت تعاونی کشاورزی تولیدکنندگان پسته رفسنجان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی شرکت که راس ساعت ۱۷ عصر روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۵/۱ در محل رفسنجان، خیابان شرکت پسته دفتر شرکت تعاونی تشکیل می‌گردد حضور یابند. ضمنا داوطلبین کاندیداتوری هیئت مدیره و بازرسی بایستی حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از تاریخ انتشار این آگهی به دفتر شرکت مراجعه و ثبت‌نام نمایند.
دستور کار جلسه:
۱– استماع گزارش هیئت مدیره
۲– قرائت گزارش حسابرسی سال ۹۸
۳– قرائت گزارش بازرس و تصویب صورت‌های مالی سال ۹۸
۴– تصویب احداث کارخانه تولید کود و سم
۵– انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره
۶– انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
ضمنا اعضایی که به هر دلیل قادر به حضور در جلسه مجمع عمومی فوق نمی‌باشند و قصد دادن وکالت را دارند بایستی حداکثر تا ۲۴ ساعت قبل از مجمع عمومی مذکور به همراه وکیل مورد نظر به محل دفتر شرکت تعاونی مراجعه و فرم وکالت را تکمیل و دریافت نمایند. لازم به ذکر است به غیر از وکالتنامه‌های فوق‌الذکر و رسمی، وکالتنامه دیگری پذیرفته نیست و هر عضو حداکثر وکالت سه عضو را می‌تواند بپذیرد و هر شخص غیرعضو تنها وکالت یک عضو را می‌تواند بپذیرد.
هیئت مدیره شرکت تعاونی کشاورزی تولیدکنندگان پسته رفسنجان

آگهی مزایده
مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۹ تهران در نظر دارد تعدادی از املاک و فضاهای مازاد آموزشی، ورزشی و ۸ باب انباری؛ خود را به شرح جدول ذیل از طریق مزایده به صورت اجاره به غیر واگذار نماید.

ردیف	نام ملک	آدرس
۱	غیردولتی آئین‌مهر ۲	بزرگراه نواب صفوی- اتوبان شهید چراغی- نبش ماهان مجاور مدرسه پاسداران
۲	غیردولتی نور فرهنگ ۲	بزرگراه نواب صفوی- اتوبان شهید چراغی- خ مطهری شمالی
۳	غیردولتی راه ایمان ۲	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- جنب ورزشگاه مطهری
۴	غیردولتی مکتب‌الرضا ۲	۲۰ متری انقلاب- خیابان مطهری- مجاور نهالستان
۵	غیردولتی متوسطه دوم	خ ماهان- جنب م ماهان- در مجاورت مدرسه سید جمال‌الدین- طبقه اول و دوم
۶	استخر ورزشگاه مطهری	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- مجموعه ورزشی مطهری
۷	زمین چمن ورزشگاه مطهری	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- مجموعه ورزشی مطهری
۸	سالن فوتسال ورزشگاه مطهری	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- مجموعه ورزشی مطهری
۹	۸ باب انباری مفتح	عبدل‌آباد- خیابان انقلاب- جنب پارکینگ طبقاتی- هنرستان مفتح
۱۰	بوفه ورزشگاه مطهری	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- مجموعه ورزشی مطهری
۱۱	سالن بدنسازی ورزشگاه مطهری	خیابان مهران- خیابان نیکوبین- مجموعه ورزشی مطهری

* متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از محل با شماره تلفن ۵۵۰۰۴۰۵۸ تماس حاصل فرمایید.
مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۹ تهران

با حضور در نیازمندیهای روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید

ویژه نامه تخصصی خودرو
بامطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی های شما